

این ایام مسرت انجام است محض ایفای وظیفه با اعتراف اینکه :

« زوصف ناتمام ما مجال یار مستغنی است »  
میخواهد شمه در اطراف محاسن و مزایای جهان قیمت استقلال عزیز با خوانندگان محترم خود صحبت نماید .

« استقلال » در زندگانی هر موجود چه ارزش و قیمتی دارد که میسر آرد سرمایه زندگانی و عامل استفاده از همه لذاغذ حیاتی بشناسیم .

کلیه اجسام نامیه و افراد ذی حیات برای حفظ هستی و تأمین موجودیت خود نیاز مند آزادی و استقلال بوده و با فقدان آزادی نمیتوانند با دامه هستی و قیام زندگانی پرداخته کار و عملی را بخیر و منفعت خود انجام دهد .

از شرایط اولیه که مقتضیات زندگانی بر هر فردی تحمیل می کنند وجود « استقلال » است هیچ فرد و ملتی را نمیتوان یافت که در جریان زندگانی طالب این گوهر مقصود نبوده و در ما و رای آن حیات بر حلاوتی را پسر برده نتوانند .

آزادی و « استقلال » در ذات خود عاملی است که قدرت و نیروی غلبه بر موانع و مشکلات زندگانی محصول و مولود آن است و طبیعی آنکه استقلال ندارد فاقد نیرو و توانائی بوده و در حال ضعف و بیچارگی مردم اسیر عوائق و اخلاص حیات میباشد شواهد و مظاهر این تعریف مادر هر چه

و بهر که بشکریم ثابت و عیان است . نباتات برای آنکه سیر تکامل خود را پیموده بانشر و نمای طبیعی خود مشربتیجه و ثمری شده بتواند باریشه گکهای خورد و بررگ در ته زمین بانجذاب مواد غذائی تنگ و پوداشته وقتی خوشتر می تواند بادامه هستی و طی نمودن

موسم زندگانی موفق گشته حسب مطلوب نشوونما یابد که در مجاری این عمل اسیر اخلاص زراعتی و موانع انتمای نباتی از حیث عدم مساعدت زمین و آب و هوا و غیره نگردیده به آزادی عوامل مفیده را انجام دهد حیوان از ابتداء آنکه یا به صحنه زندگانی میگردد در تحصیل رزق و حرکت اعضا و بدن که دلیل انبات زندگانی و بکار انداختن قوای انرژی است محتاج آزادی و استقلال بوده و در حال

قید و بند با عقب ماندن از ایفای این مقتضیات فطری هیچگاه نمیتواند به زندگانی خود ادامه داده از نا موس حیات متابعت نماید رمیدن حیوانات از افراد غیر جنس مصداق آن است که هر کدام نسبت با استقلال و آزادی

کلیه مظاهر نیکوئی و اخلاق پسندیده انسان که از ان بحسن اعمال و رفتار حمیده انسانیت تعبیر شده و مقبول در گاه خالق و منظور هر فرد مخلوق قرار میگیرد و وابسته با استقلال و آزادی نفس ناطقه انسانی از غلبه و استیلای مشتبهات شهوانی و غضبی و دیگر مفاسد و زوائلی اخلاقی بوده و انسان در سایه همین استقلال معنوی است که از فروغ عقل و دانش بر حسب مقتضیات شان و شرافت انسانی استفاده توانسته طرق نیک بختی و ابواب سعادت و نیکنامی را بخود پیدامی کند انسان اگر « استقلال » اخلاقی نداشته و از تماثلات فاسده نفس خود جلو گیری نتواند در آنحال طبیعی است که از بجا آوردن وظایف مقدسه انسانیت بازمانده و بر علاوه آن

از ارتکاب هر نوع مناهمی و معاصی خودداری نمیتواند کرد همین قسم در تأمین شئون حیاتی و تهیه و تکمیل مایحتاج زندگی فرد فرد انسان محتاج حرییت و آزادی است تا بتواند بر حسب آرزو و آمال خرد در طریق حصول راحت و آسایش زندگانی چاره های

درستی سنجیده سعی و مجاهده خودش را بلا مانع در تحصیل مطلب بکار آید و وقتی از این یا لا تر رفته در حیات جامعه و ملت خیره شویم بطور مشهود و محسوس حیات اجتماعی و زندگانی ملی هر قوم و ملت را بر توی از تیر عالی و در خشان « استقلال » شناخته می بینیم کلیه پیشرفتها و ترقی و تقدم اجتماعی اقوام و ملل عالم محصول و مولود این اصل مهم

زندگانی بوده همان ملل و جوامعی توانسته اند در صحنه معاشرت از دیگران جلو رفته صاحب افتخار و امتیازاتی شوند که اولتر تحصیل این حق مشروع زندگانی با هر نوع ایثار و فداکاری بدل مجاهدت نموده اند و بنا بر آن است

که اقوام و جوامع بشری از آغاز دوره مدنیّت همواره در راه حصول و تأمین حریت و آزادی ملی و اجتماعی خودها کوشیده و مخصوصاً ملل و اقوام شجاع و با عزم جهان در موافقتش از ایثار و فدا کردن مال و جان در طریق بدست آوردن و حفظ « استقلال » خود مضائقه و دروغ نتوانسته اند .

گفتیم ترقی و تکامل و راحت و آسایش جامعه یکسره مولود و محصول آزادی و حریت ملی است مسلماً بطوریکه دیدیم هر فرد انسان برای تأمین راحت و حصول معیشت فردی و شخصی خود

باشد اجرا کرده نمیتواند و در نتیجه حیات بارنج و نا کامی بسر می برد . عیناً در حیات اجتماعی اقوام و ملل عالم نیز همین اصل منطبق بوده هر قوم و ملتی که در جریان زندگانی فاقد آزادی و استقلال بوده تن باسارت و بندگی دیگران داده اند هیچگاه قدرت ایفا و انجام اموری را که بمنافع ملی شان ممد و مؤثر بوده در تأمین شئون حیاتی آنها مفید ثابت گردد از خود نداشته حیات و موجودیت و همه دارائی و ملکیت آنها مال و از ان دیگران است این قبیل مردمان بیچاره و ناتوانی که استقلال خود را از دست داده و محکوم و مغلوب تماثلات و خواهشهای اجانب اند در صفحه گیتی صاحب نام و نشان و هیچیک امتیاز و افتخاری نبوده حق موقع گرفتن را در فشار ملل حرو آزاد

جهان ندارند . خلاصه بهمان پیمانه که آزادی و استقلال واجد محاسن و مزایا و اساس همه گونه ترقی و تعالی جامعه ثابت می شود اسارت و محکوم دیگران بودن مایه تمام و وسائل خواری و ذلت و بیچارگی و ناتوانی تشخیص میگردد از این لحاظ ارزش دارد که اقوام و ملل عالم این گوهری بهای « استقلال » عزیز را به تقد جان خریداری نمایند .

جای هزاران شکر و سپاس است که در سرزمین پاک و مقدس افغانستان عزیز ما در تمام اعصار و ازمنه تاریخ این مملکت آفتاب لمعه اش « استقلال » نور افشانی داشته و

و فرزند آن صالح و خدام صادق این دین توفیق آن بخشوده که بدستگیری و اهتمام قوم و ملت پرده و حجابات وارده را از روی معشوق استقلال و طن با کمال شهامت و مردانگی بردارند .

بیاد داریم در بیست سال پیش ازین روز فرخنده که استقلال سیاسی مملکت از دست رفته بود خداوند کریم لطف عمیمش را مبدول احوال ما فرموده و یکی از مردان نامور افغانستان را با برادران و خاندان جلیل القدر شان و ملت شجاعت بنیان افغانستان مسامور اعاده استقلال مملکت فرموده و با تائیدات غیبی و ربانی خود استقلال و سرمایه افتخار افغانستان عزیز را به نیروی همت و شجاعت آنها با عطا فرمود .

این ذات گرامی « محصل استقلال و منجی وطن » مرد نامدار و مصلح اعظم افغانستان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه کبیر بودند که الی آخرین دقیقه حیات قیمتدار شان با اخوان رشید و قامیل نجیب خود در راه حصول ترقی و تعالی و تأمین راحت و آسایش افغانستان خدمات بزرگ و کارنامه های درخشان را انجام داده اند و ملت افغانستان برای همیشه مرهون و گرویده تمام آن مجاهدات خالصه آنها بوده پیشرفت ها و ترقیات حال و آینده خود را در همین مجاهدات صادقاته شان میداند .

افغانستان عزیز ما بعد از آنکه « استقلال » سیاسی خود را به نیروی شمشیر اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید

## فیض استقلال می بخشد و وطن را خرمی

( از طبع جناب عبد الواحد خان ( بهره ) معلم ادبیات رشیدی هرات )  
سال بیستم یادگار فتح سردان آمده زانکه وقت جوشش خون شهیدان آمده از مسرت هردهن چون غنچه خندان آمده گوهر مقصد بفرق جمله ریزان آمده در حیات مملکت چون آب حیوان آمده نام او زینت ده تاریخ دو و ران آمده لذت شیرینیش در کام مردان آمده زانکه غیرت خاصه هر فرد افغان آمده در محیط زندگانی جسم بی جان آمده چون بقول مصطفی « ص » حبش زایمان آمده زانکه در سیر تکامل دهر کوشان آمده چشم آملال و طن سوی شمایان آمده در وطن زانها چنین شوکت نمایان آمده ملت ما شاد و استقلال مایا پند باد این دعا را هر سحرگه « بهره » گویان آمده

محمد ظهیر شاه در هر رشته امور مملکت داری پدیدار گردیده بطور یقین میتوان فهمید که این همه ترقی و پیشرفتها و اصلاحات مملکت در فبال این مدت کم خیلی زیاد بوده و از هر جهت در خور تقدیر و ستائش است .

ما اگر خواسته باشیم از تمام ترقی و پیشرفتها ایسکه به همه شعب زندگانی ما دست داده طور مختصر هم تذکر و اشاره دهیم سخن بطول انجامیده و نیز صفحات این روزنامه کوچک تنها از عهده فهرست آن بدر شده نمیتواند .

بر علاوه « چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان است » .

ما همه میدانیم که در ظرف این مدت کوتاه امور عسکری مملکت چه از حیث تعلیم و تربیه صحیح و چه از لحاظ تهیه و تکمیل لوازم و آلات و اسلحه و سایر تجهیزات عصری

رنگ و رونق تازه بخود گرفته از هر جهت قابل مسرت و اطمینان است از پیشرفت و ترقی و تعمیم معارف مملکت بی خبر نیستیم و همه روز می بینیم دامنه معارف و وطن با تاسیس مکاتب و تهیه معلمین لائق بتوجه حکومت معارف پرور مارو بتوسعه گذاشته و در شرف تزیید است و اوضاع اقتصادی مملکت ما

نظر بسابق خیلی بهبودی بخود گرفته و مخصوصاً با تغییر سیستم تجارت سابقه که با تمرکز سرمایه های ملی بصورت شرکتها و مؤسسات صنعتی و تجارتی تعدیل یافته زمینه امیدواری زیادی را فراهم نموده است زراعت و فلاحت ترقی و پیشرفت زیادی نموده بسی اراضی و زمین های با غره تحت کشت و وزرع کشیده شده . نقشه ساختمانی بند ها و آنها ریکه که از طرف حکومت غمخوار ما طرح گردیده است در دست اجرا گرفته شده روز بروز عملی میگردد .

عمرانات و وطن مایا به بسیار بلندی ترقی نموده آبادی و آبرومندی مملکت را در میان آورده است .

امنیت کامله در وطن حکمفرما و اجرای امور و فیصله هر نوع دعاوی و تأمین حقوق با اساس مقررات دیانت اسلامی و قوام نظم و نسق امور اداری از روی اصول و قوانین موضوعه که در مجلس عالی شورای ملی وضع میگردد اجرا پذیر است .

علاوه بر تمام اینها مناسبات خارجی ما با دول همسایه و دور دست بروجه مسالمت کارانه و دوستانه استقرار داشته و در مجمع بین المللی اخذ موقع نموده ایم .

خلاصه تمام این موفقیت ها در اصلاحات امور اجتماعی که در اثر توجه و اهتمام اولیای امور